

سلسله مباحث امامت و مهدویت (۱۱)

وابستگی جهان به

امام زمان عجل الله فرجه

حضرت آیت الله العظمی

آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

سرشناسه	: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۷.
عنوان و نام پدیدآور	: وابستگی جهان به امام زمان (عج) / الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر	: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۶۸ ص ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروخت	: سلسله مباحث امامت و مهدویت ۱۱.
شابک	: ۰-۳۰۵-۹۷۳-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: چاپ قبلی: بنیاد بعث، موسسه الامام المهدی: ۱۳۶۲.
یادداشت	: کتابخانه به صورت زیرنویس
موضوع	: محقق: بن حین (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق.
موضوع	: مهدویت - انتظار
شناسه افزوده	: مسجد جمکران (قم)
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ / ۲۲۴/۲ BP
رده بندی دیویی	: ۲۸۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۹۵۵۷۳



سلسله مباحث امامت و مهدویت

- ◀ نام کتاب: وابستگی جهان به امام زمان (عج)
- ◀ مؤلف: آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی
- ◀ صفحه آرا: امیرسعید سعیدی
- ◀ ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ چاپخانه و شمارگان: وفا / ۲۰۰۰ جلد
- ◀ نوبت و تاریخ چاپ: اول / بهار ۱۳۹۰
- ◀ قیمت: ۸۰۰ تومان
- ◀ شابک: ۰-۳۰۵-۹۷۳-۹۶۴-۹۷۸
- ◀ مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ◀ تلفن و نمابر: ۰۷۲۵۳۷۰۰، ۰۷۲۵۳۳۴۰، ۰۲۵۱

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۴	بررسی و توجیه اول
۲۱	بررسی و توجیه دوم
۳۶	بررسی و توجیه سوم
۴۰	بررسی و توجیه چهارم
۴۲	بررسی و توجیه پنجم
۴۸	سخنی دیگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ،
أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَرْكَانُ الْإِيمَانِ
وَأَمْنَاءُ الرَّحْمَنِ وَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، فِيهِمْ يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ
أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِهِمْ يُمْسِكُ الْأَرْضُ أَنْ تَمِيدَ
بِأَهْلِهَا، وَبِهِمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَتَنْشُرُ الرَّحْمَةُ وَتَخْرُجُ بَرَكَاتُ
الْأَرْضِ، وَلَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنْهُمْ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.^۱

قَالَ الْإِمَامُ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عليه السلام: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رَفَعَ مِنَ الْأَرْضِ
سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.^۲

ترجمه به مضمون: اگر زمین ساعتی خالی از امام بمالد اهل
خود را فرو خواهد برد و چون دریایی که به موجش اهلش را
مضطرب و بی قرار سازد در موج و اضطراب افتد.

۱. اقتباس از احادیث باب ۲۱ کمال الدین، ص ۲۰۱-۲۱۰، طبع مکتبه صدوق و کتاب‌های دیگر.

۲. غیبت نعمانی، باب ۸، حدیث ۱۰، ص ۱۳۹، طبع مکتبه صدوق.

پیشگفتار

باید توجه داشت که اصل وابستگی سایر ممکنات به وجود امام -سلام الله علیه- و چگونگی آن و مسایل مشابه آن را، دانشمندان و علمای حکمت و عرفان با دلایل عقلی و فلسفی و عرفانی اثبات کرده‌اند، چنان‌که به وسیله وحی و خبر آنان که با عالم غیب ارتباط و اتصال دارند و از غیب عالم و علم کتاب و روابط نهانی و پنهانی ممکنات با یکدیگر، به اذن الله تعالی و به عنایت و لطف او مطلع می‌باشند، نیز ثابت است. و طبق همین اطلاعاتی که ایشان به ما می‌دهند، فرضاً دلیل عقلی مستقل هم نباشد، به آنچه خبر می‌دهند اعتقاد پیدا می‌کنیم.

زیرا برای تحقیق این‌گونه موضوعات -به خصوص تفصیل آن- راهی مطمئن‌تر و باوربخش‌تر از وحی و اخبار انبیا و اوصیای آنها نیست؛^۱ چنان‌که وجود ملائکه و اصناف آنها و مأموریت‌ها و مداخلاتشان در عالم و تصرفات و ارتباطاتی که با تنظیم عالم دارند،

۱. پیرامون علم انبیا و اولیا به مغیبات و چگونگی و واقعیت آن، که امری انکارناپذیر است، مراجعه شود به کتاب‌هایی که یاد در خصوص این موضوع نوشته شده، یا به مناسبتی این مباحث در آنها پی‌گیری شده است از جمله تألیفات ابن حقیر مثل «نوید امن و امان» و «پرتوی از عظمت حسین علیه السلام» و «فروغ ولایت در دعای ندبه».

بر حسب قرآن مجید و احادیث شریفه ثابت و مسلم است و هر کس به نبوت و وحی و قرآن مجید و رسالت حضرت رسول اکرم ﷺ مؤمن باشد، به آن نیز ایمان دارد؛ زیرا ایمان به صدق انبیا و وحی و انبیا و اخبار آنها قابل تبعیض نیست؛ بنابراین در این موضوع نیز این راه شناخت، مورد استناد و کمال اعتماد و یقین آور و اطمینان بخش است. بر حسب روایاتی که در تفسیر بعضی از آیات قرآن مجید وارد شده و همچنین روایاتی که مستقلاً روایت شده، وابستگی جهان به وجود امام ﷺ ثابت است؛ و هر چند بعضی از این روایات به وابستگی بعضی از این عالم مثل زمین، بیشتر دلالت نداشته باشد؛ اما بعضی دیگر بر وابستگی کل دلالت دارد. مضافاً اینکه بعضی از معیارها و ملاک‌ها که این وابستگی را تأیید می‌نمایند، عام است و وابستگی کل عالم را اثبات می‌کند.

ناگفته نماند: از طرق اهل سنت نیز احادیثی که فی الجمله دلالت بر این موضوع دارد، روایت شده است؛ مثل روایتی که "عبدالله بن بطه عکبری" که از محدثین مشهور و نامدار است،^۱ در کتاب "الانابه" به سند خود از عبدالله بن امیه مولى مجاشع،^۲ از یزید رقاشی،^۳ از انس بن

۱. شرح زندگی او در تاریخ بغداد و لسان المیزان مذکور است.

۲. رازی در «الجرح والتعديل» شرح زندگی عبدالله بن امیه قرشی را نوشته است که ظاهراً غیر از عبدالله بن امیه مولى مجاشع است، و در جامع الرواة شرح حال عبدالله بن امیه سکونی را نوشته است که از اصحاب حضرت صادق ﷺ است.

۳. شرح حال یزید بن ابان رقاشی در تهذیب التهذیب ابن حجر مذکور است.

مالک^۱ به این لفظ روایت کرده است:

انس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ، فَإِذَا مَضَوْا سَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۲

همواره این دین برپا خواهد بود تا دوازده نفر، پس وقتی که آن دوازده نفر درگذشتند، زمین اهل خود را فرو خواهد برد.

و چنان که از بعضی احادیث استفاده می شود، از دوران صدر اول و عصر صحابه، افراد برجسته ای از آنان، مانند سلمان و ابوذر که نمی توان اعتقادشان را جز به استناد به هدایت و بیان و ارشاد حضرت رسول اعظم ﷺ مستند دانست. این وابستگی را بازگو کرده و به دیگران می آموختند، چنان که از سلمان و ابوذر در مقام توصیف امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است:

«إِنَّهُ لَزُرُّ الْأَرْضِ الَّذِي تَسْكُنُ إِلَيْهِ وَتَسْكُنُ إِلَيْهَا، وَلَوْ فَقَدَ

۱. انس بن مالک از صحابه معروف است که ماجرای زندگی و تاریخ حالات او در کتاب های تاریخ و تراجم مثل استیعاب و اسد الغابه و غیره آمده است.

۲. کشف الاستار، ص ۹۹. در بعضی نسخه ها کلمه «ساخت» مابحت نوشته شده است و پوشیده نماند که احادیث دال بر امامت ائمه اثني عشر علیهم السلام از طرق اهل سنت متواتر است و بیش از سی نفر از صحابه این احادیث را روایت کرده اند و این روایات بر صحت مذاهب شیعه اهل بیت علیهم السلام که معتقد به امامت ائمه اثني عشر می باشند، دلالت دارند و بر هیچ یک از مذاهب سایر فرق مسلمین قابل انطباق نیستند، خصوصاً که در خود این روایات، روایات مطلقه تفسیر شده و در روایاتی مثل روایت حافظ معروف «ابو الفتح بن ابو الفوارس» در اربعین خود به اسامی ایشان نیز تصریح شده است.

لَأَنْكُرْتُمُ الْأَرْضَ وَأَنْكُرْتُمُ النَّاسَ»^۱

«علی علیه السلام قوام زمین است که زمین به سوی او آرام می‌گیرد و به سوی آن سکون و آرامش حاصل می‌شود، و اگر او (یا جانشین او) نباشد، هرآینه زمین را دگرگون (به وضع دیگر) و مردم را منکر و ناشناخته خواهید دید».

این اثیر در نهاییه و ابن منظور در لسان العرب، "زَرَّ" را به استخوانی که در زیر قلب است و قوام قلب را به آن گفته‌اند، معنی کرده‌اند. حاصل اینکه: با مراجعه اجمالی به روایات و احادیث شیعه و اهل سنت و زیارات معتبر مثل جامعہ کبیرہ، ارتباط وجود سایر ممکنات و بقای زمین؛ بلکه عالم، نزول باران، برکات و رحمت‌های الهی، افاضه فیوضات و نعمت‌ها به وجود امام علیه السلام فی الجمله ثابت و مسلم است؛^۲ البته شکی نیست که یگانه راه نجات و امان او گمراهی، شناختن امام، قبول امامت او و پیروی از او است که علاوه بر احادیث متواتر ثقلین و سفینه و امان، حدیث مشهور بین شیعه و اهل سنت که حمیدی در "جمع صحیحین" آن را روایت کرده است، با کمال تأکید و توعید بر آن دلالت دارد، متن این حدیث به روایت حمیدی (در جمع صحیحین) این است:

۱. لسان العرب و نهاییه ابن اثیر، قسمت "زَرَّ". مخفی نماند که این حدیث در کتاب‌های معتبر شیعه نیز روایت شده، از جمله: در امالی شیخ مفید مجلس ۱۷، از سلمان این گونه روایت شده است: «إِنَّهُ لَعَالِمُ الْأَرْضِ وَزُرُّهَا، وَإِلَيْهِ تَسْكُنُ، وَلَوْ قَدْ قَفَذَتْ نَمُوهُ لَفَقَذَتْهُمُ الْعِلْمُ وَأَنْكُرْتُمُ النَّاسَ».

۲. رجوع شود به کتاب‌ها و جوامع مثل کافی و وافى، بحار و درر البحار و غیره.

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»^۱

«هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مرده است (مانند)

مردن جاهلیت».

و فخر رازی از حضرت رسول ﷺ روایت کرده است که فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ

شَاءَ نَصْرَانِيًّا»^۲

«هرکس بمیرد در حالی که شناخته باشد امام زمان خود را،

پس اگر خواست یهودی بمیرد و اگر خواست نصرانی».

کلام معجز نظام حضرت علی ﷺ، تصریح این بیان و اقتباس از

فرمایش حضرت رسول اعظم ﷺ است، که مفخر علمای اسلام

سید رضی از آن حضرت روایت نموده است:

«وَأَنَّمَا الْأَئِمَّةُ قَوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعُرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ،

وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعُرِفُوهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا

مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ»^۳

۱. کشف الاستار، ص ۷۸ و ۷۹.

۲. المسائل الخمسون، رساله‌ای است از فخر رازی که در ضمن مجموعه‌ای به نام «مجموعه الرسائل» در مصر در مطبعة علمیه کردستان، در سال ۱۳۲۸ قمری چاپ شده و این حدیث در صفحه ۳۸۴ این کتاب نقل شده است.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰. عالم جلیل میرزا ابوالفضل تهرانی در کتاب شفاء الصدور شرح زیارت عاشورا، در موضوع معرفت امام کلامی دارد که عیناً نقل می‌شود: معرفت امام ﷺ مراتبی دارد:

«همانا امامان از سوی خدا و به امر خدا، قائم بر خلق خدا و برپا دارندگان آنها، و مدبر و مدیر امور، نگهبان مصالح و سرپرست بندگان خدا می باشند داخل بهشت نمی شود مگر آن کس که بشناسد ایشان را و ایشان او را بشناسند و داخل آتش نمی شود مگر کسی که ایشان را نشناسد و انکار کند، و امامان علیهم السلام او را نشناسند و انکار نمایند».

➡ مرتبه اول: احاطه به مقام ایشان است کما هو حقّه، و این مرتبه در حیز افهام مان نیست: جمله ادراکات بر خرها لنگ او سوار باد پایان چون خدنگ و حدیث شریف «من عرفنا فقد عرف الله» می تواند اشاره به این معنی باشد و حدیث معروف که شیخ صدوق - علیه الرحمه - روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يا عَلِيُّ! ما عَرَفَ اللهَ إِلَّا أَنَا وَأَنْتَ، وَلَا عَرَفَنِي إِلَّا اللهُ وَأَنْتَ، وَلَا عَرَفَكَ إِلَّا اللهُ وَأَنَا»، بنابر عموم ثبوت احکام امیرالمؤمنین برای ائمه علیهم السلام - چنانچه در اخبار وارد شده - شاهد صدق این مدعی باشد. مرتبه دوم: اطلاع بر اسرار و سرائر، و وقوف بر بواطن و ضمائر ایشان است، به حدی که طاقت بشر اقتضا کند. این هم مراتبی دارد و معقول به تشکیک است و این درجه خصصین شیعه و صدیقین و اولیا است. و از اخبار اهل بیت علیهم السلام معلوم می شود که سلمان فارسی و ابو حمزه ثمالی و یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقطین و جماعتی دیگر، هر یک به مرتبه ای از مراتب این مقام رسیده اند. و مستفاد از مجموع اخبار آن است که: در صحابه افضل از سلمان نیست و این حکم جاری در اهل بیت نیست؛ چون او به تنزیل از ایشان شده و ایشان به تحقیق از این طایفه هستند.

مرتبه سوم: اطلاع بر مراتب کمالات و مدارج مقامات عالیّه ایشان است؛ چنانچه از اخبار اهل بیت و آثار شریفه ایشان ظاهر می شود، از علم و حلم و تقوا و شجاعت و سماحت و احتیاج جمیع خلق در امور به ایشان و وساطت ایشان در صدور جمیع فیوضات الهی و مواهب ربّانی و اینکه امامت بر جمیع ما فی الوجود دارند و این مقام علما و فقها و مؤمنین از حکما و عرفا است و هرکس هرچه بیشتر از مشکات انوار مقدّس ایشان اقتباس کرده و زیادتر از بحر محیط فضایلشان اعتراف نموده، در این مرحله ثابت قدم تر و صاحب منزلت تر است.

مرتبه چهارم: اعتراف به امامت ایشان و دارایی کمالات است اجمالاً، و این حظ عوام است و جمیع مراتب از تشکیک و اختلاف، به حسب اختلاف استعداد اصحاب آنها خالی نیست... (شفاء الصدور، ص ۲۱۳ و ۲۱۴).

و در رابطه با این مسایل است، فرمایش دیگر آن حضرت:

«أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ»^۱

«آگاه باشید! به تحقیق مثل آل محمد ﷺ مثل ستاره‌های

آسمان است که هرگاه ستاره‌ای بنخواهد غروب کند، ستاره

دیگر طلوع نماید».

این‌گونه احادیث و احادیثی که مدلول آنها گسترده‌تر است، از حدّ تواتر گذشته است و مورد نظر در این رساله، استقصا و احصای آن احادیث و تحقیق در مقدار دلالت آنها نیست، که احصا و بررسی این احادیث به کاوش بسیار و مطالعات زیاد و تألیف کتابی مفصل و بزرگ نیاز دارد.

آنچه در این رساله به طور مختصر در نظر است، توجیه و تفسیر عقلی و علمی و منطقی این وابستگی و بیان امکان و صورت وقوع آن است که در ضمن چند بیان توضیح و توجیه می‌شود. و اگرچه بحث و بررسی را می‌توان در دو زمینه قرار داد؛ یکی ارتباط اصل وجود ممکنات به وجود امام ﷺ و دیگری ارتباط بقای آنها به وجود آن حضرت ﷺ، اما به ملاحظه اختصار و عدم تکرار، در طی چند بررسی و توجیه، معقولیت و منطقی بودن هر دو جهت را به یاری خداوند متعال بیان خواهیم کرد.

وما توفیقی إلا بالله، علیه توکلت و الیه أنیب